

اجمال - قول مجمل قولی است که دلالت آن واضح نباشد، قول مجمل ممکن است مفرد باشد یا مرکب - مجمل مفرد مانند لفظ مشترك در صورتیکه معلوم نباشد که گوینده کدام يك از معانی آن لفظ را قصد نموده. مجمل مرکب چنانچه در آیه شریفه (اوربغوالذی بیده عقدة النکاح) اجمالی وجود دارد و روشن نیست که منظور زوج می باشد یا ولی زوجه - فعل نیز در صورتیکه وقوع آن از وجوب و نَدب و غیره معلوم نباشد، مجمل است. تمام اهل عدل بالاتفاق معتقدند که تأخیر بیان قول مجمل از وقت حاجت ممتنع و غیر جائز می باشد، ولی جواز و عدم جواز تأخیر بیان از وقت خطاب مورد اختلاف میباشد که برای تفصیل بکتاب اصول باید رجوع شود.

احاله - آ. د. ک. ما - ۲۰۷-۲۰۵ ق. آذرماه ۱۳۰۶ ما ۴۰

۱- احاله دعوی جزائی از محکمه می به محکمه دیگر و از حوزه می به حوزه دیگر باید با اجازه محکمه عالی (محکمه می که از حیث درجه بالاتر است) و استدعای احاله توسط محکمه تالی که مشغول رسیدگی بامر است بعمل آید یا بتکلیف مدعی العموم محکمه مذکوره.

۲- محکمه عالی احاله کار را از محکمه تالی به محکمه تالی دیگر که هر دو در حوزه آن محکمه عالی هستند در دو مورد ذیل اجازه میدهد:

الف - در صورتیکه بیشتر متهمین یا شهود امری که وقوع یافته در حوزه دیگر اقامت دارند.

ب - وقتی که محل وقوع جرم از محکمه می که صلاحیت رسیدگی را دارد دور است و محکمه دیگر بواسطه نزدیکی بهتر می تواند رسیدگی نماید.

۳ - دیوان تمیز حق دارد در غیر موارد مذکوره در ماده قبل هم، اجازه احاله دعوی جزائی را از یک حوزه به حوزه دیگری بدهد، در صورتیکه دیوان مزبور این اقدام را برای صدور حکم در محکمه تالی از روی بی غرضی یا حفظ انتظام و امنیت عمومی لازم بداند.

۴ - ما ۴ قانون آذرماه ۱۳۰۶ - حکم احاله که موجب ماده ۲۰۷ قانون اصول محاکمات جزائی برای رسیدگی بیک دعوی از محکمه می به محکمه دیگر توسط دیوان

عالی تمیز داده میشود شامل تحقیقات مقدماتی نیز که خواه بتوسط مأمورین کشف جرائم و خواه بتوسط مستنطق بعمل می آید خواهد بود، و این تقاضا ممکن است توسط مدعی العموم محکمه می که قانوناً صلاحیت رسیدگی را دارد و یا محکمه می که باید رسیدگی بآنجا احاله شود بعمل آید، و در هر حال وزیر عدلیه میتواند در موارد مذکوره در ماده ۲۰۷ توسط مدعی العموم دیوان تمیز تقاضای احاله امر را از دیوان مزبور بنماید.

احتساب - حق احتساب وجه بابت دین. ق. مد. ما. ۲۸۲. اگر کسی بیک نفر دیون متعدده داشته باشد، تشخیص اینکه تأدیه از بابت کدام دین است بامدیون خواهد بود.

اگر مدیون در موقع تا دین وجه، قبض رسیدی گرفته باشد و داین در آن قبض تصریح نموده باشد که تأدیه بابت کدام دین بوده مدیون دیگر نمیتواند تأدیه را بابت دین دیگر محسوب بدارد، مگر اینکه مدعی جعل و تزویر نسبت بقبض باشد، اگر در قبض بابت صریحاً معین نشده و مورد از مواردی است که دادگاه باید معین کند تا دین وجه بابت کدام دین بوده، از دیون منقضی المدة مدیون دین انتخاب میشود که عادة عجله مدیون بتادیه آن بیشتر میشود، مانند دینی که فرع زیاد دارد بر دین بدون فرع و دینی که بیع بشرط دارد بر دین بدون بیع بشرط و بدون رهن.

احتکار - حکر در لغت بمعنی استبداد و همچنین استبداد در کالا بقصد گران فروشی می باشد، احتکار بمعنی جمع کالا بقصد گران فروشی میباشد و معنی حقوقی آن عبارت است از جمع و پنهان کردن کالای مورد احتیاج ضروری عامه زیاد بر مصرف جمع کنندگان آن، برای جلوگیری از فروش. این عمل از قدیم در نظر عقلای دنیا قبیح و مذموم بوده و شارع اسلام نیز از آن نهی فرموده است، به موجب قانون ۲۷ اسفند ماه ۱۳۲۰ که مشتمل بر ۱۸ ماده است، محتکر برای دفعه اول علاوه بر ضبط عین کالا به حبس تأدیبی از سه ماه تا ۶ ماه و کیفر نقدی معادل يك برابر قیمت کالای مزبور، محکوم میشود و در صورت تکرار برای دفعه دوم، مرتکب علاوه بر ضبط عین مال به حبس تأدیبی از سه ماه تا يك سال و تأدیه کیفر نقدی معادل دو برابر کالای مزبور محکوم می گردد.